ایران

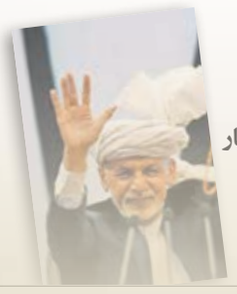
■ سال بیست و پنجم ■ شماره ۷۲۳۶ ■ دوشنبه ■ ۲ دی ۱۳۹۸ ■ ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۱ ■ ۲۰ صفحه ■ قیمت در تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان / دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان ■ Monday ■ 23 Dec. 2019 ■ ISSN1027-1449 Keytitle: IRAN (Tehran)



کالدرون نام بیرانوند را از لیست ۱۸ نفره پرسپولیس خط زد

جنجالِ نیمکتِ نشینی

در صفحه ورزشی بخوانید



اعلام نتایج مقدماتی انتخابات ریاست جمهوری افغانستان

اشرف غنی برای دومین بار رئیس جمهوری شد

در صفحه جهان بخوانید



ارزیابی محمدعلی ابطحی از فضای انتخاباتی پیش رو:

سود تندروهای داخلی و اپوزیسیون خارجی از افت مشارکت

در صفحه سیاسی بخوانید

بی هوا

- چرا نه مردم نه نهادهای مسئول به فکر آلودگی هوا نیستند؟
- آیا تیتر زدن‌های روزنامه‌ها کافی است؟
- تعطیلی مدارس تنها راه حل است؟

۱، ۵، ۷، ۱۱ و ۱۳



ابوالفضل نساجی / ایران

قصه فراقِ دولت و جامعه مدنی به روایتِ مراد ثقفی

زبان گروه‌های بی‌صدای شهری باشیم



۱۳

حال و روز «نی» زادگاه دو برادر کولبری که به مقصد نرسیدند

اینجا ما در بهشت می‌سوزیم

۱۱

در مراسم اختتامیه بیست و دومین جشنواره قصه گویی از ایرج طهماسب تجلیل شد

ادای دین به آقای مجری محبوب

همراه با یادداشت هایی از مرضیه برومند و الهه رضایی



۲۰

بایدها و نبایدهای بودجه‌ای در گفت‌وگو با علی سعدوندی کارشناس ارشد پولی و بانکی

بودجه ارزی را از بودجه ریالی جدا کنیم

۱۰

اختلال در اینترنت و ۴ سؤال

یادداشت



محسن جلال پور
تحلیلگر اقتصادی

این روزها سؤال مهم جوانان این است؛ با اینترنت قرار است چه کنند؟ این سؤال را حتی پسرم که بنیانگذار یک شرکت دانش‌بنیان است، از من می‌پرسد و من نمی‌دانم دقیقاً چه جوابی به او بدهم.

برای آنها که سال‌ها سابقه کسب و کار در بخش‌های سنتی اقتصاد را دارند، سه عنصر «زمین، نیروی کار و سرمایه» مهم‌ترین نهاده‌های تولید کالا و خدمات محسوب می‌شود اما تغییرات شگرف در عرضه تکنولوژی باعث شده این ترکیب شکل کاملاً متفاوتی پیدا کند.برای کارآفرینان عرصه اقتصاد دانش‌بنیان سه عنصر«زمان، اطلاعات و سرمایه» جای نهاده‌های اصلیِ تولید را گرفته‌اند. به بیان ساده، دیگر داشتن زمین و نیروی کار فراوان الزاماً به کسب‌وکار موفق و ارزش‌آفرین منجر نمی‌شود.

این دو نهاده گرچه همچنان مهم به نظر می‌رسند اما در سایه دو نهاده زمان و اطلاعات کمرنگ‌تر شده‌اند و نهاده سوم یعنی سرمایه هم در کسب وکارهای جدید نقش خود را حفظ کرده است.

به همین دلیل است که کسب وکار مفهوم تازه‌ای پیدا کرده و همه ما بواسطه کارکرد همزمان «زمان، اطلاعات و سرمایه» زندگی بهتری را تجربه می‌کنیم.در یکی دوهفته گذشته به دلایل امنیتی یک حق مسلم از همه ما گرفته شد. بدون اطلاع قبلی اینترنت قطع شد و اختلال جدی در زندگی شهروندان به وجود آمد. خوشبختانه اینترنت دوباره وصل شد اما پس از آن زمزمه‌هایی درباره احتمال قطعی و جایگزینی اینترنت ملی مطرح شد.

اگر اینترنت قطع شود، دقیقاً چه اتفاقی رخ می‌دهد؟

به این پرسش می‌توان از چند منظر پاسخ داد؛ من تنها از چهار زاویه به این پرسش پاسخ می‌دهم:

۱- قطعی اینترنت نااطمینانی را تشدید می‌کند: نااطمینانی یعنی اینکه من به‌عنوان عضوی از این جامعه به هردلیلی نتوانم آینده را پیش‌بینی کنم. در حال حاضر آنچه در جامعه، سیاست و اقتصاد ما می‌گذرد ناشی از نااطمینانی و نگرانی مردم نسبت به آینده است. پس نااطمینانی یک مفهوم فراگیر است که از بی‌اعتمادی و کاهش امید در جامعه به وجود می‌آید. وقتی اقتصاد به شرایط نااطمینانی می‌رسد، عمق دید فعال اقتصادی کاهش پیدا می‌کند و تصمیم‌گیری در بنگاه‌های اقتصادی دشوار می‌شود. دقیقاً مثل تردد در جاده مه آلود که راننده نمی‌تواند چند متر جلوتر را ببیند. چند روزی که اینترنت قطع بود، به ۳۰ سال قبل پرتاب شدیم. جالب است که در حال حاضر در همه جای دنیا (جز الجزیره، اتیوپی، عراق، سوریه و ازبکستان) صحبت از افزایش ضریب نفوذ و دسترسی به اینترنت ارزان و پرسرعت مطرح می‌شود اما در ایران عده‌ای پیشنهاد می‌کنند برای امنیت بیشتر، اینترنت را قطع و به جای آن از اینترنت ملی استفاده کنیم. احتمالاً آنها نمی‌دانند با مطرح کردن چنین احتمالی چقدر سرمایه و نیروی انسانی را از کشور فراری می‌دهند.

۲- اثر قطعی اینترنت بر رشد اقتصادی: معمولاً کشورها برای رشد اقتصادی با محدودیت‌های بیشتری مواجهند تا برای افول اقتصادی. همان طور که تخریب خیلی از ساختن آسان‌تر است. اقتصادها می‌توانند به‌دلیل تصمیمات بد سیاستمداران با کوچک شدن اقتصاد و افول جایگاه مواجه شوند و این افول می‌تواند برای مدت زمان طولانی ادامه پیدا کند و یک کشور ثروتمند به یک کشور فقیر که هر روز فقیرتر می‌شود تبدیل شود. کشورهای زیادی با ایجاد اختلال در عوامل تولید در چنین تله‌ای گرفتار شدند.در چند فصل گذشته کسب وکارهای جدید اثر قابل توجهی بر رشد اقتصادی داشتند و تصمیم به قطعی اینترنت می‌تواند این روند را منفی کند.

۳- اثر قطعی اینترنت بر افزایش هزینه مبادله: بر کسی پوشیده نیست که اینترنت هزینه مبادله را در اقتصاد بشدت کاهش می‌دهد. کاهش هزینه مبادله منجر به افزایش حجم مبادلات می‌شود و همه می‌دانیم که مبادله اساس پیشرفت اقتصاد است. پس اگر اینترنت قطع شود، کمترین نتیجه‌اش این است که هزینه مبادله افزایش خواهد یافت.

ادامه در صفحه اول ایران اقتصادی

آلودگی هوای تهران با تعطیلی حل می‌شود؟

یادداشت



یوسف رشیدی
استاد دانشگاه

اگر چه در مقررات کشور در شرایط خاص آلودگی هوا تعطیلی پیش‌بینی شده است اما این به این معنا نیست که طی ۲۰ سال گذشته هر وقت ناتوان از حل این مسأله شدیم از آن استفاده کنیم. در حقیقت این به این معناست که در صورت انجام تمام تکالیف و وظایف هرگاه به دلیل شرایط هواشناسی نتوانستیم اقدامی انجام دهیم موقتاً عقب‌نشینی کنیم و در کنار آن اقدامات کاهش آلودگی از منابع ثابت و متحرک را انجام دهیم.

نکته مهم این است که در بحث آلودگی هوا نباید شرایط هواشناسی را مقصر بدانیم زیرا بایستی مدیریت کیفیت هوای شهر بر اساس شرایط هواشناسی خاص هم بتواند کیفیت هوا را به حد سالم برساند. کما اینکه اگر به آمار و اطلاعات ۲۰ سال قبل مراجعه کنیم در چنین روزهایی ما با مشکل آلاینده منواکسیدکربن هم مواجه بودیم که امروزه با آن مشکلی نداریم. به عبارتی با استقرار استانداردها توانستیم مشکل آن را حل کنیم.

نگاهی به اطلاعات عملکردمان در حوزه آلودگی هوا در سال‌های گذشته مبین این نکته است که هر وقت با ابزار علمی به سراغ آلودگی هوا رفتیم توانستیم مقدار تولید آلاینده‌ها را کاهش دهیم و هر وقت با ابزار غیرعلمی (نظیر آب پاشی) به سراغ آن رفتیم دچار عقبگرد شدیم. برای هر کدام از آلاینده‌ها با توجه به ماهیت تولید از منابع آلاینده و شکل‌گیری در اتمسفر است که می‌توان راهکار ارائه داد. بطور مثال اگر گاز دی‌اکسید گوگرد بالا باشد بایستی محتوای گوگرد در فرآورده‌های نفتی را کاهش داد و یا اگر ازن بالا باشد بایستی پیشران‌های تولید آن شامل هیدروکربن‌های نسوخته و اکسیدهای ازت را کاهش داد.

شاید در شرایط کنونی لزوم بازنگری حدود مجاز معاینه فنی و چک تجهیزات کنترل آلودگی خودروها بخصوص خودروهای عمومی که پیمایش بالایی دارند بیش از پیش احساس می‌شود. در حقیقت نبایستی فقط به استاندارد آلایندگی تولید خودروها اکتفا کرد بلکه بایستی مراقبت‌ها به‌صورت جدی باشد تا آلایندگی از خودروها در شرایط قابل قبولی باشند.

لازم است به این نکته هم توجه ویژه شود که تهران کم کم باید با موتورسیکلت‌های بنزینی خداحافظی کند زیرا این طیف از وسایل نقلیه بعد از تولید از نظر آلودگی در شهر رها هستند.

اما به دلیل اینکه آلاینده ذرات معلق با قطر کمتر از دو و نیم میکرون توسط مکانیزم‌های مختلف تولید می‌شود بایستی تمام پیشران‌های مولد آن را شناسایی و از بین برد.

این پیشران‌ها شامل هیدروکربن‌های نسوخته، اکسیدهای ازت و گوگرد و ذرات ناشی از احتراق خودروهای دیزلی و بنزینی هستند. پس بایستی با یک کار علمی و منسجم عوامل تولید آن را مانند کاهش منواکسیدکربن و حذف سرب از بنزین به حداقل برسانیم. گاهی اوقات هم شاید بهتر است آرزو کنیم:

ای کاش به جای تعطیلی، مصوبه سال ۱۳۹۳ دولت را در خصوص نصب فیلتر دوده بر روی خودروهای دیزل اجرا می‌کردیم و الآن به آن افتخار می‌کردیم.

ای کاش به جای تعطیلی، با از رده خارج شدن خودروهای فرسوده می‌توانستیم با توان بیشتراین مصوبه را اجرا کنیم.

ای کاش خودروسازان تجهیزات کنترل آلودگی هوا را گارانتی مادام‌العمر می‌کردند و این تجهیزات بعد از مدتی تعطیل نمی‌شد.

ای کاش صنایع مختلف مسئولیت اجتماعی بیشتری در قبال آلودگی هوا داشتند.

ای کاش حداقل یک واحد صنعتی ذکر شده در مصوبه ۱۳۹۳ دولت واحد احیای اکسیدهای ازت را نصب می‌کرد.

و آخر اینکه ای کاش به جای تعطیلی مدارس سیستم‌هایی که باعث تعطیلی مصوبات هستند تعطیل می‌شد.

سراب حل مشکل آلودگی هوا

گـــزارش



ترانه بنی‌یعقوب
روزنامه نگار

«شما روزنامه‌نگارها نمی‌خواهید فکری به حال هوای آلوده بکنید. نمی‌خواهید نهادهای مختلف را جمع کنید و بخواهید کاری بکنند. جان همه در خطر است جـان همـه و مهم‌تر از هر کسی، جـان بچه‌هایمان.» ایـن جمله‌ها را یک پزشـک این روزهـا خطاب به من نوشت بـا نگرانـی و دلهـره. او گفت از ایـن وضعیت عصبانی است و مانده چرا هیچ‌کس کاری نمی‌کند. همان سؤالی که روزهاست از خودم می‌پرسم. سؤالی که حتماً روزهاست از خودتان می‌پرسید. در جوابش نوشتم که این روزها مدام به این موضوع فکر می‌کنم اینکه به عنوان یک روزنامه‌نگار چه کاری ازمن ساخته است. به عنوان یک شهروند. به عنوان یک انسان.

راسـتش را بخواهیـد، مـن هـم مثـل خیلی از شـما بارهـا ایـن روزها با غم و اندوه به آسـمان سـیاه شده شـهر خیره شده‌ام. به آسـمانی که دیگر آبی نیسـت. بارها اندیشـیده‌ام چـه اتفاقی افتاده که شـهرمان به این حال و روز افتـاده. مثل خیلی از شـما انـواع جدول‌هایی که سـهم آلودگی هوا را بررسـی کرده‌اند، بـالا و پاییـن کـرده‌ام. همان جدول‌هایی که سـهم مردم، کارخانه‌ها، ماشـین‌های سـنگین و سـوخت‌های فسـیلی را در آلـوده کردن هوا بررسـی کرده‌اند. مثل خیلی از شـماها دیده‌ام که صدای تولیدکنندگان خـودرو در ایـران همیشـه بلند بوده. همیشـه خودشـان را تبرئـه کرده‌اند و دیگـران را مقصـر جلـوه داده‌انـد. سال‌هاسـت می‌شـنوم و می‌خوانم قرار اسـت خودروهای فرسـوده از سـطح شـهر جمع‌آوری شـوند. سال‌هاسـت خبرهایی را دنبال می‌کنم که باید کامیون‌های جدید را جایگزین قدیمی‌ها کـرد. سال‌هاسـت می‌خوانم که با گران شـدن بنزین مشـکل ترافیک کم و در نتیجـه آلودگـی هوا هم مشـکلش حل می‌شـود. سال‌هاسـت طرح‌های شکسـت خـورده طـرح ترافیـک را دنبـال می‌کنـم. مطالبـی می‌خوانـم و می‌نویسم درباره نقش شهروندان اینکه باید از ناوگان حمل و نقل عمومی اسـتفاده کنند. اینکه باید دوچرخه‌سـوار شـوند. اینکه باید برای رسـیدن به مسیرهای نزدیک پیاده‌روی کنند. ناوگان حمل و نقل عمومی تجهیز شود. اینکه باید این کار را بکنیم و آن کار را...

نمی‌خواهـم سـرتان را بیشـتر از این با ایـن حرف‌ها درد بیـاورم چرا که می‌دانـم بیشـتر از مـن همه این‌هـا را می‌دانیـد. می‌دانم همه‌مـان خیلی از دلایـل آلودگی هـوا و راهکارهایش را می‌شناسـیم. می‌دانیـم هوا زندگی ماسـت و هیچ‌کـس نمی‌توانـد از آن غافـل شـود. هیـچ کـس نمی‌تواند از عـوارض آلودگی هوا قسـر در رود. چه غنی باشـد و چه فقیر. چه فرادسـت باشـد و چه فرودست. درعین حال نه متخصص محیط زیست هستم و نه درباره وضعیت خودروسـازی اطـلاع دقیقی دارم و نه نقش سـوخت‌های فسـیلی را در آلودگی هوا به اندازه متخصصان این رشته می‌دانم و درعین حـال نمی‌خواهـم شـعارهای ژورنالیسـتی حـل کوتـاه مـدت آلودگـی هوا سـر بدهـم. چرا کـه می‌دانم آلودگی هـوا چنان با زندگی مـا پیوند خورده و جزئی از زندگی شـهری‌مان شـده که هیچ کدام از این تحلیل‌ها و راهکارها و شـعارها بـه تنهایی کارسـاز نیسـت. تنها راه حلـی که به ذهنم می‌رسـد، همراهی همه‌مان برای حل این مشـکل اسـت. اینکه دور هم جمع شویم، عقل جمعی را به کار بگیریم.

گوش‌هایمـان را بـه روی حرف‌هـای متخصصـان باز کنیـم. درانگاره‌ها و پیشـفرض‌هایمان در اداره امور شـهری تغییراتی دهیـم و راهکارهایی را که سال‌هاسـت مطرح می‌کنیـم اما جدی نمی‌گیریم، این بـار واقعاً جدی بگیریـم. ایـن بار تنهـا با مشـارکت جمعی همه‌مـان از شـوراهای محلات گرفتـه تـا نهادهـای سیاسـتگذاری و سیاسـتمداران و همه مردم اسـت که می‌توانیم این مشـکل را حل کنیم وگرنه مطمئن باشـیم راهکارهایی مثل تعطیـل کـردن مدارس و درخواسـت از شـهروندان بـرای بیـرون نیاوردن ماشین‌هایشـان، هیـچ مشـکلی را حل نخواهد کـرد و آلودگی هوا همیشـه برایمان مشکلی لاینحل باقی خواهد ماند.

ماجرا به این دو نفر ختم نمی‌شود

یادداشت



احمد مسجد جامعی
عضو شورای اسلامی شهر تهران

وقتی خبر یخ‌زدگی دو نوجوان کولبر را در گردنه پر سوز و سرمای تته شنیدم، یاد آن روزی افتادم که مرحوم عزت‌الله انتظامی من و دو سه تن از دوستان را به دفتر خودش در موزه سینما دعوت کرد. همین فصل سرما بود. می‌خواست ببیند چطور می‌شود برای بخشش یک قاتل نوجوان، رضایت خانواده مقتول را بگیرد. مسأله همه‌مان شد. مانده بودیم برای طرح موضوع با خانواده مقتول چه ادبیاتی به کار بگیریم شاید نتیجه دهد. اول فکر کردیم اگر این اتفاق (شده حتی یک بیماری ناگهانی یا تصادفی سخت) برای فرزندان خود ما رخ می‌داد، چه می‌کردیم؟ بعد آقای انتظامی طاقت نیاورد و اشک از چشم‌هایش جاری شد. گفت: حاضر نیستم به ازای دریافت تمام جهان، خاری به پای فرزندم برود.این چند روز مدام این جمله زنده‌یاد انتظامی و چشم‌های پر اشکش در برابرم قرار می‌گیرد. بویژه آنجا که برادر کوچک در واقع خودش را جای پدر خانواده گذاشته و برای نجات برادر، کت خود را از تن بیرون آورده که او را بپوشاند. اصلاً دارم فکر می‌کنم چرا باید برای گذران زندگی، دو فرزندم را از دست بدهم؟ تصویر فرزندانم در ذهن نقش می‌بندد. بعد تصویر تلاش و معاش و گذران و زندگی‌شان با تصویر آن دو نوجوان و جنازه کبود و یخ زده‌شان و آن پدر غم‌زده، با هم گره می‌خورد.نمی‌دانم اگر زنده‌یاد انتظامی زنده بود و می‌خواست به خانواده تسلیت بگوید، چه می‌گفت و چه می‌کرد؟ با چه کسانی برای گفتن تسلیت این پیشامد مشورت می‌کرد؟ او که پست و مقامی نداشت و فقط در دل مردم بود. مانده‌ام آنها که پست و مقام دارند، چه می‌گویند و چه می‌کنند و برای جبرانش با چه کسانی مشورت می‌کنند.

آگهی مزایده فروش

شرکت شاران الکترومکانیک در نظر دارد مقدار قابل توجهی قطعات و لوازم یدکی مازاد و استوک خودرو ۴۰۵ و پراید از قبیل (سرسیلندر کامل، سوزن انژکتور، شیلنگ، کمپرسور کولر و قطعات بدنه و...) خود را از طریق مزایده عمومی به فروش رساند.

۱- مهلت دریافت اوراق مزایده: از تاریخ چاپ آگهی به مدت حداکثر ۷ روز کاری

۲- مهلت استرداد اوراق تکمیلی و پیشنهاد قیمت از تاریخ چاپ آگهی به مدت ۱۵ روز کاری

۳- محل دریافت و تحویل اوراق: تهران - پل کفش ملی جاده اندیشه به طرف شهریار - شهرک صنعتی زاگرس، خیابان زاگرس، کوچه اقتصاد، اولین بن بست پلاک ۴

موبایل: ۰۹۱۲۵۴۷۸۷۳۲ تلفن: ۰۲۱-۴۶۸۰۴۶۷۷

منتشر شد



علاقه‌مندان می توانند از روزنامه فروشی‌ها «ایران ماه» را تهیه کنند